

آنسوی مرزها

اگر به این شهرها مسافرت می‌کنید
مواظب جیب‌تان باشید
بهشت‌های سارقان
■ توریست‌ها هدف‌های عالی برای سارقان هستند؛ گردشگرانی که محو تماشای بناها و اماکن تاریخی و فرهنگی هستند و تمام حواس خود را متوجه فهمیدن و شناختن مناظر اطراف خود کرده و کاملاً از اموال و لوازم همراه خود غافلند. این افراد عموماً به راحتی هدف سرقت قرار می‌گیرند. این ۱۰ شهر، معروف‌ترین شهرهای دنیا در مورد جیب‌بری و سرقت از توریست‌ها هستند که بر اساس آمار خطرناک‌ترین مکان برای کیف پول‌ها، چمدان‌ها و کیف دستی‌های مسافران و گردشگران به شمار می‌روند.

۱- محله لاس رامبلاس، بارسلون، اسپانیا:

جیب بری در لاس رامبلاس می‌تواند به همان اندازه راحت و جذاب باشد که ورزش زیبا، مفرح و مشهوری در بارسلون همچون فوتبال- از این رو رفتارهای سارقان در این پیاده‌روی شلوغ شهر بارسلون را می‌توان با حرکات بازیکنان در زمین فوتبال مقایسه کرد. بنابراین اگر گردشگران احساس در آفتاب ماندن یا بیرون از زمین مسابقه قرار گرفتن را ترجیح نمی‌دهند، باید کاملاً مراقب بوده و هر لحظه لوازم همراه خود را چک کنند.

۲- رم، ایتالیا:

رم، شهری با جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی منحصr به فرد است که بناهای چند هزار ساله آن چشم هر بیننده‌ای را مسحور خویش می‌کند. بنابراین بیراه نیست اگر این شهر را دومین منطقه مورد علاقه جیب‌برها بنامیم. اماکنی همچون چشمه تسروی (Trevi) یا معبد پانتئون، بهترین مناطق برای دزدیدن دوربین‌ها و خالی کردن جیب‌های گردشگران سر به هواست.

۳- محله پل چارلز، پراگ، چک:

پل چارلز که آن را تصویری از پراگ امروز می‌نامند، محل عبور و مرور خیل گردشگرانی است که روزانه از سراسر جهان به این شهر می‌آیند. از این رو بیش از آنکه خود را برای عکس گرفتن از قلعه باستانی پراگ آماده کنید، از وجود دوربین سرچاهی خود مطمئن شوید و بدانید که پول‌هایتان سر جایشان هستند یا نه.

۴- مادرید، اسپانیا:

هرج و مرج، آرمییل‌ها و هیاهوی هزاران نفر در خیابان هدا، تصویری از مادرید امروز با مادرید مدرن است. در طول مدت زمانی که گردشگران در خیابان‌های تنگ و باریک این شهر قدم می‌زنند، هر لحظه باید مراقب ماشین‌ها باشند تا با آن برخورد نکنند. اغلب جیب‌بری‌ها در چنین موقعیت‌هایی رخ می‌دهند، همین امر باعث شده است تا مردم بیشتر مراقب خود و کیف‌هایشان در هنگام عبور آرمییل‌ها باشند.

۵- پاریس، فرانسه:

پاریس، یکی دیگر از شهرهای مشهور جهان به شمار می‌رود که همه ساله میزبان گردشگران بسیاری است، با این حال برج ایفل و تابلوی مونالیزا تنها گردشگران را به سوی خود جذب نمی‌کنند، بلکه جیب‌برها نیز، حضوری فعال در این‌ا اماکن دارند. بنابراین هنگامی که در خیابان‌ها مخصوصاً ایستگاه‌های مترو شهر پاریس قدم می‌زنید، شدیدا مراقب اموال و وسایل همراه خود باشید.

۶- فلورانس، ایتالیا:

بدیهی است هنگامی که گردشگران مجموعه‌های میکل‌آنژ شهر فلورانس را تماشا می‌کنند، هیچ توجهی به دارایی‌ها و لوازم همراه خود نخواهند داشت. سرقت شاید رایج‌ترین کاری باشد که در این مواقع صورت می‌گیرد و این به معنای لزوم دقت و تمرکز بیشتر گردشگران بر وسایل خود در این شهر تاریخی زیباست.

۷- بوینس‌آیرس، آرژانتین:

در این شهر، هیچ‌گاه برای به سرقت رفتن کیف پول خود فریاد نزنید، زیرا پاسخی نخواهید شنید. علاوه بر آن هیچ‌گاه اشتباه دوست شدن با محلی‌ها چه خردسال و چه بزرگسال را مرتکب نشوید، زیرا این دوستان دوست‌داشتنی به چیزی جز به کیف پول‌های شما علاقه ندارند.

۸- آمستردام، هلند:

معمولاً گردشگری در حصار سرگرمی‌ها و مناظر دیدنی فوق‌العاده شهر آمستردام، به آسانی موجب آن می‌شود که گردشگران محل و جای خود را فراموش کنند. از این رو گردشگران بیش از هر شهر دیگری نیازمند دقت و مراقبت از وسایل خود و جدا شدن از زیبایی‌های فریبنده این شهر هستند. جیب‌برها اغلب از این‌گونه گردشگران نهایت استفاده را می‌برند.

۹- آتن، یونان:

شهرهای معروف جهان، علاوه بر گردشگران و علاقه‌مندان به مناطق تاریخی، سهم عمده‌ای نیز در جذب جیب‌برها، هدایت‌شان به سوی وسایل مسافران و بازدیدکنندگان دارند. آتن و بنای آکروپلیس آن نیز، شاید مناسب‌ترین مکان برای سارقان و کیف‌آف‌هایی باشد که مترصد حضور مسافران و گردشگران از همه جا بی‌خبر هستند. مراقبت از اموال، مهم‌ترین هشدار ناملموس برای گردشگران این شهر است.

۱۰- هائوی، ویتنام:

شهر هائوی و محله قدیمی پرجاذبه آن همه ساله میزبان عبور و مرور گردشگرانی است که از سراسر جهان برای تماشای آن به این کشور آسیایی می‌آیند. در واقع می‌گویند سارقان ویتنامی سریع‌ترین سارقان جهان هستند. محله قدیمی این شهر برخلاف قدیمی بودن، جیب‌برها و سارقان پیشرفته‌ای دارد. چه بسار گردشگرانی که با کوله‌پشتی‌های سنگین

«اینجا برای من اصلاً مثل خوابگاه نیست دقیقاً مثل خونمه» این را ساره می‌گوید که دو ماهی است در خوابگاهی خصوصی در شمال شهر تهران اقامت دارد.

خانه پدری او در حاشیه شهریار است و شرکتی که ساره در آن کار می‌کند در تهران، از آنجایی که دوری راه مشکلات زیادی را برایش پیشش آورده بود تصمیم می‌گیرد در یکی از این خوابگاه‌ها ساکن شود.

ساره می‌گوید: «من قبل از اینکه اینجا پیام خوابگاه‌های زیادی را در جاهای مختلف دیدم ولی اینجا هم امکانات بهتری دارد و هم قوانین‌اش مثل بعضی خوابگاه‌ها سخت نیست. مثلاً من خوابگاهی را دیدم که اجازه نمی‌داد بچه‌ها توی اتاق‌ها از وسایل برقی استفاده کنند و برای من که همه کارم با لپ‌تاپ انجام می‌شه این مساله اصلاً امکان‌پذیر نبود.» با افزایش روز افزون دختران دانشجو و شاغل در شهر تهران، نیاز برای فراهم کردن بستری مناسب برای اقامت این

افراد بیش از پیش احساس می‌شود. خوابگاه‌های دولتی و خصوصی هر کدام شرایط و قوانین خاص خود را دارند ولی آن ضرب‌المثل قدیمی که می‌گوید «هر چقدر پول بدی همون قدر آش می‌خوری»، در اینجا مصداق دارد. خوابگاه‌های دولتی با دریافت مبالغ کمتر و ارایه امکانات محدودتر، متقاضیان خاص خود را دارند و خوابگاه‌های خصوصی با دریافت هزینه‌های بیشتر امکانات بهتری را در اختیار افراد می‌گذارند. اما آنچه که در این میان قابل توجه است اینکه همین خوابگاه‌های خصوصی هم بسته به اینکه در کجا واقع شده باشند مثلاً در شمال شهر باشند یا در مرکز و جنوب شهر نرخ‌های متغیر، امکانات و قوانین متفاوتی دارند.

به یکی از خوابگاه‌های خصوصی در مرکز شهر می‌روم، ساختمان از لحاظ ظاهری وضعیت چندان خوشایندی ندارد و فضا هم با وجود اینکه تعداد زیادی دختر هم‌سن و سال در یک جا جمع شده‌اند به طرز قابل توجهی سنگین و ساکت است. یک لابی کوچک پایین پله‌ها قرار دارد که در آن یک تلویزیون قدیمی با چند مدل رنگ و رو رفته قرار گرفته است، الهه که یکی از ساکنان این خوابگاه است و برای تحصیل از اراک به تهران آمده، با اعلام ناراضایتی از وضعیت خوابگاه خود می‌گوید: «اینجا محدودیت‌های زیادی برای استفاده از وسایل شخصی داریم و از امکانات معمولی مثل تلویزیون در هر اتاق یا اینترنت همگانی که در خیلی از خوابگاه‌ها وجود دارد بی‌بهرایم. خیلی از بچه‌ها

این گزارش در آخرین شماره هفته نامه «هرات» در افغانستان به چاپ رسیده و حاوی نکات جالبی است که خواندن این گزارش را جالب می‌کند به خصوص که مشکل مورد اشاره در برخی مناطق ایران هم وجود دارد. قبل از مطالعه بدانید که در این گزارش، داکتران «دکتر‌ها، تدای=مدان، خریطه=کیسه، به جای آمده=جا افتاده و...

■ ■ ■

سرروصای گریه، فضای دهلیز شفاخانه را پر کرده بود. آواز کودکی که بی وقفه گریه می‌کرد، توجه هر کسی را که از دهلیز و از مقابل اتاقی که این طفل در آن بستری بود می‌گذشت، به خود جلب می‌کرد. کودک ۱۰ ساله که قدیر نام داشت، پیوسته می‌گفت که«دستم کجاست؟ چرا دستم نیست؟ دستم را کی بریده؟ و از این قبیل حرف‌ها.

دکتران شفاخانه مرکزی هرات می‌گفتند که زمانی مجبور به قطع دست قدیر شده‌اند که راه دیگری برای علاج آن باقی نمانده بوده است. قدیر دو هفته قبل در جریان بازی با همسالانش، دستش را شکسته و خانواده‌اش او را برای تدای نزد یک شکسته‌بند برده بوده‌اند. شکسته بند به جای اینکه به تدای دست قدیر موفق شود، با شیوه‌ای که دست او را بسته بوده سبب می‌شود که استخوان دست قدیر سیاه شود و با مراجعه به شفاخانه، داکتران مجبور شوند دستش را قطع کنند.

شکسته‌بندی یکی از حرفه‌های با سابقه در تاریخ طبابت افغانستان است. این شیوه، قبل از اینکه طب مدرن به وجود بیاید در کشورهای دیگر هم استفاده می‌شده؛ اما به نظر نمی‌رسد، در حال حاضر به جز در کشورهای عقب مانده مانند افغانستان، دیگر کسی به جایی برای تدای شکستگی‌های استخوان از این شیوه استفاده کند. اما در افغانستان هنوز از این شیوه تدای استفاده می‌شود؛ شیوه‌ای که با زیاد شدن تعداد ماهرین آن سبب افزایش وقایعات دلخراش تدای ناسالم شکستگی استخوان شده.

هرات که یکی از شهرهای بزرگ کشور است، در این اواخر شاهد افزایش بی‌سابقه کسانی بوده که خود را شکستگی بند می‌نامند و ادعا دارند که در تدای شکستگی‌های استخوان مهارت دارند. بی‌بی شریفه که پسرش از جمله قربانیان این گونه تدای‌های خودسر

خوابگاه‌های خصوصی چه وضعیتی دارند

بالای شهر، پایین شهر

ریحانه محمودی



برای اتاق چهار تخته ماهیانه ۱۷۰ هزار تومان اجاره پرداخت می‌کند. او در مورد وضعیت سکونت خود می‌گوید: «اول می‌خواستم خونه اجاره کنم چون شنیده بودم خوابگاه جای راحتی برای اقامت نیست ولی وقتی خانواده‌ام قبول نکردند رفتم خوابگاه. جای اولی که رفتم درست مثل پسادگان بود و روز و شب تحت فشار و مقررات بی‌دلیل بودیم و تقریباً به غیر از تخت هیچ امکانات دیگه‌ای برامون وجود نداشت. یک ماه بیشتر دوام نیاوردم. بعد از طریق یکی از دوستانم با این جا آشنا شدم. زندگی در خوابگاه‌سختی‌های خودش را داره ولی من تقریباً از شرایط اینجا راضی‌ام، همون‌طور که توی خانواده هم ممکنه درگیری و کدورت پیش بیاد اینجا هم گاهی این اتفاق می‌افته ولی سریع حل می‌شه»

نگار ا ما نه تنها با این خوابگاه بلکه اصولاً با زندگی در خوابگاه مشکل دارد و در این‌باره می‌گوید: «هر چقدر هم که امکانات توی خوابگاه‌ها بیشتر بشه باز اون آرامشی

که آدم بهش احتیاج داره رو به دست نمی‌یاره چون آزادی عمل و راحتی که آدم توی خوشن داره اینجا نداره. به‌عالمه آدم که هیچ‌کدوم همدیگرو نمی‌شناسن و ارتباط برقرار کردن باهاشون کار راحتی نیست، از طرفی هر کسی سبک زندگی خودشو داره و ممکنه با بقیه هماهنگ نباشه که این خودش کلی دردرس سازه. مثلاً اینجا تنها شدن تقریباً غیرممکنه در حالی که هر کسی نیاز داره به وقتایی تنها باشه. کافیه به شب بد خواب بشی و وقتی همه خوابیدن تو بخواهی بیدار باشی اون‌وقت معنی واقعی عذاب رو درک می‌کنی. اینجا با اینکه تقریباً بیشتر افراد با هم‌اتاقی‌های‌شان ارتباط کم و بیش خوبی دارند با این حال هر وقت بخواهند خوابگاه را برای ساعتی ترک کنند تنها در کم‌ی‌اش کشوری وسایل‌شان را قفل می‌کنند که این حس خستنا در عدم وجود اعتماد کامل میان افراد و نوعی از حس ناامنی دارد.»در هر حال اقامت در خوابگاه، چه دولتی و چه خصوصی بخش اجتناب‌ناپذیری از زندگی بسیاری از جوانان است. بحث و جنجال هم درباره چگونگی این مساله بارها و بارها نقل محافل گوناگون بوده است. آنچه به وضوح قابل مشاهده است عدم رسیدگی عملی به این مشکلات و ناهماهنگی میان قوانین و مقررات در خوابگاه‌هاست. فرقی نمی‌کند که دانشجو باشی یا کارمند، از شهرستان آمده باشی یا نه. اگر به دنبال شرایط ایده‌آل برای اقامت در خوابگاه هستی قبل از هر چیز باید این کلمه سه حرفی را فراموش نکنی؛ پول.

سوی شهر اما شرایط جور دیگری است، به خوابگاه ساره که در ابتدای مطلب از آن صحبت شد، می‌روم. وضعیت ظاهری‌اش با آن خوابگاه مرکز شهر قابل مقایسه نبود. لابی خوابگاه بیشتر شبیه لابی هتل بود یک ال‌سی‌دی بزرگ در گوشه قرار داشت به اضافه تمام امکاناتی که در نشیمن خانه‌های شیک پیدا می‌شود، از سیستم پخش صوتی و تصویری گرفته تا مبل و میز نو و حتی آباژور مخصوص مطالعه. اتاق‌ها هم بزرگ بود و هم تمیز و برعکس خوابگاه الهه هر اتاق تلویزیون و کمد دیواری مخصوص داشت. جالب اینکه از آن رخت و فضای سنگین خبری نبود. در لابی تعدادی از بچه‌ها در حال صحبت کردن بودند و هر از چند گاهی خنده‌های آرامی سر می‌دادند.

جای اولی که رفتم درست مثل پادگان بود و روز و شب تحت فشار و مقررات بی‌دلیل بودیم و تقریباً به غیر از تخت هیچ امکانات دیگه‌ای برامون وجود نداشت. یک ماه بیشتر دوام نیاوردم

یکی با لپ‌تاپش سرر و کله می‌زد و دیگری با هندزفری در گوشش کتاب می‌خواند، بعضی هم ترجیح می‌دادند در اتاق‌شان به دور از جنب و جوش و رفت و آمد چرتی بزنند تا خستگی روز را از خود دور کنند. با اینکه هر کس سرگرم کاری بود ولی مزاحمتی برای دیگری ایجاد نمی‌شد. نفیسه یکی از دانشجویان ساکن این خوابگاه است که از سمنان آمده و به غیر از دلتنگی برای خانواده‌اش از چیز دیگری شکایت ندارد. می‌گوید ۲۰۰ هزار تومان پول پیش داده و

شکسته‌بندی و شکسته‌بندهای هرات

مسعود احمدی، هرات

وی عدم آگاهی مردم و فقر اقتصادی آنان را از جمله بزرگ‌ترین عوامل این گونه واقعات در کشور عنوان کرد. به گفته اسلمی، وقتی یک عضو یک نفر در یک ساحته دور از شهر که بیمارستان در آنجا وجود ندارد، می‌شکند، و خانواده‌اش توانایی مالی آوردن او را به شهر و بیمارستان ندارند، مجبور می‌شوند او را نزد شکسته‌بند ببرند. وی اضافه می‌کند:«بدر از این وقتی است که تعدادی از مردم باور دارند که شکسته‌بندها بهتر از داکتران به تدای اعضای شکسته آدم‌ها می‌پردازند.»

بااین حال تعدادی از شکسته‌بندها که‌ا از شهرت زیادی در میان مردم برخوردار هستند، گفته‌های داکتران را مبنی بر غیر اصولی بودن کارشان رد کرده و می‌گویند که آنان این حرفه را به صورت سنتی از پدران شان آموخته‌اند و در آن مهارت کامل دارند. حاجی غلام حیدر معروف به«بچه عطای شکسته‌بند» که از شکسته‌بندهای مشهور شهر هرات است درمورد حرف‌هایش می‌گوید:«بدرم شغل شکسته‌بندی داشت و من با اینکه طفل بودم به یاد دارم که روزانه ۲۰ تا۳۰ نفر از شهر و اطراف به نزدش می‌آمدند که در کمترین زمان خوب می‌شدند. من از همان زمان شروع به

دود اسلمی یک تن از داکتران بخش استخوان این شفاخانه، می‌گوید:«مریضان وقتی به پیش شکسته‌بندها مراجعه می‌نمایند آنان دست با پای مریضان را چنان محکم می‌بندند که جریان خون درآن ناحیه قطع می‌شود و بعد از چند روز استخوان سیاه می‌گردد که راهی ندارد، اگر مکنه قطع شود.»



قوانین شهری

نقش شهرداری
در رونق اقتصادی شهری

بهناز فتحی

■ رونق اقتصاد شهری به این دلیل نقش شهرداری‌ها را برجسته می‌کند که شهرداری‌ها، حکومت‌های محلی به حساب می‌آیند و عملکرد و فعالیت‌های آنها به توسعه یا توقف رشد اقتصادی شهرها می‌انجامد. تامین نیاز شهروندان، فراهم کردن خدمات رفاهی و اساساً زیرساخت‌هایی که توسط شهرداری‌ها پایه‌گذاری می‌شود، همه و همه نهایتاً به پویایی اقتصاد شهر منجر می‌شود، به این صورت که شهرداری‌ها با تامین نیازهای روزمره مردم و زمینه‌سازی جهت توسعه مراکزی همچون؛ فروشگاه‌های زنجیره‌ای و میادین میوه و تره‌بار از یک سو زندگی معیشتی شهروندان را بهبود بخشند و از سوی دیگر شغل‌های مستمر و پایدار ایجاد کنند.

اقتصاد شهری

با افزایش جمعیت شهرها و روند رو به رشد شهرنشینی در جامعه، پرداختن به تمامی جوانب زندگی شهرنشینی اعم از امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و حتی سیاسی مورد توجه قرار گرفته است و در این میان مبحث اقتصاد شهری و توسعه آن به دلیل اثرگذاری بر سایر موارد بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و حتی این عامل در بسیاری از کشورهای دنیا شهرها را به سمت جهانی شدن در رقابت شهری سوق داده است که البته شهر و شهرداری‌های ایران از این نظر، فاصله قابل توجهی با دیگر شهرهای توسعه یافته جهان دارند اما این فاصله با برنامه‌های صورت گرفته در حال کاهش است اما مهم‌ترین عامل اصلی این مساله را هم باید در نبود مدیریت واحد شهری جست‌وجو کرد. اساساً نبود مدیریت واحد شهری و بخش بخش بودن زیرساخت‌ها، اهداف توسعه‌ای را با مشکل مواجه می‌کند و کارها را به تعویق می‌اندازد، این در حالی است که بسیاری از شهرهای حتی آسیایی به سرعت ظرفیت‌های سازمانی، زیرساختی و منابع انسانی خود را برای حفظ و بهبود وضعیت رقابتی خود توسعه می‌دهند. این توسعه نه تنها برای زمینه‌سازی سرمایه‌گذاری صنعتی خارجی مستقیم، بلکه برای صعود خودشان در سلسله مراتب رتبه‌بندی و تبدیل به هولدینگ بین‌المللی با ارزش افزوده بالاتر تأثیر می‌کنند. از نمونه‌های خوب در این زمینه، سنگاپور و هنگ‌کنگ را می‌توان نام برد که پایه‌های اقتصادی آنها را در فازهای پاییی از کارگاه‌های بهره‌کشی سال‌های ۶۰ دهه به مراکز بین‌المللی فناوری پیشرفته و اقتصاد اطلاعاتی و دشت محور، ادارت مرکزی، منطقه‌ای و مراکز خدمات صادراتی آسیر تبدیل داده‌اند. به همین صورت می‌توانیم ظهور اخیر شهرهای سواحل جنوبی خلیج‌فارس را مشاهده کنیم که در زمانی کمتر از ۳۰ سال شن‌های خالی در صحرای عرب به شهرهای جهانی تبدیل شده‌اند.همچنین برخی از کشورهای غربی در همین مدت زمانی به عنوان کلون‌های ترابری و دریایی منطقه، مراکز گردشگری بین‌المللی و گروه‌های خدماتی و ادارات مرکزی، مالی، تدارکاتی و شرکتی در سراسر خاورمیانه و فراتر از آن شناخته شده‌اند اما رسیدن به چنین جایگاهی برای کلان‌شهری همچون تهران با مشکلاتی دست به گریبان است. چرا که هماهنگی میان نهادهای مرتبط با اداره شهر، محدودیت‌های قانونی و مواردی از این دست، شهرداری را برای رسیدن به این نقطه یا تحقق بخشی از این اهداف را با موانعی همراه می‌کند.

در این میان، واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی یا به طور کلی مردم، از جمله عواملی است که می‌تواند توسعه اقتصاد شهر را حتی در مقیاس کلان‌شهرهایی همچون برخی شهرهای بزرگ اروپایی یا توکیو به دنبال داشته باشد. مشکل اصلی در توسعه اقتصادی شهر، اشتباه ما در تعریف و واگذاری پروژه‌ها به بخش خصوصی است به عنوان مثال چون مسأ به ندرت، خدماتی همانند آسفالت کردن معابر و خیابان‌ها را در قالب یک بسته بلند مدت به پیمانکاران می‌دهیم و همین مساله بر اجرای دقیق کارها تأثیرگذار خواهد بود. برای زیرسازي‌های مورد نیاز و اجرای آسفالت کاری با یک پیمانکار قراردادی بندیم و برای نگهداری آن با پیمانکاری دیگر.

در حالی که کشورهای پیشرفته کل فعالیت ساخت، خریداری و تامین آسفالت، اجراء نظارت و نگهداری آن را در قالب قراردادهای بلند مدت به یک پیمانکار می‌دهند بنابراین آن شرکت مجبور است که اولاً از آسفالت و مواد خوب استفاده کند تا در تمام سال‌های قرارداد، از هزینه‌های دوباره کاری جلوگیری شود، به همین دلیل هم در بیشتر موارد مجبورند به شیوه تحقیق و اجرا عمل کنند که باعث می‌شود پیمانکاران از یک یک سو، به کارهای تحقیقاتی و توسعه‌ای متوسل شوند و کیفیت را بالا ببرند و از سوی دیگر علاوه بر ایجاد اشتغال، به رشد فراینده شهر کمک کنند. با تغییر چنین نگاهی به توانمندی‌های بخش خصوصی می‌توان اهداف خصوصی‌سازی را در شهرداری‌ها به خوبی اجرایی کرد. عمر آسفالت در شهرهای مختلف ایران، دو یا سه سال است که در کشورهای پیشرفته، عمر این آسفالت‌ها به ۱۵ تا ۲۰ سال می‌رسد و حتی شهرداری‌ها قصد دارند این مدت را به ۲۰ سال هم برسانند، به این صورت که تمام مراحل آماده‌سازی تا ساخت و نگهداری آسفالت معابر به مدت ۲۰ سال به یک پیمانکار سپرده می‌شود و شهرداری هر سال، پولی را با رقمی ثابت، بابت این خدمات به پیمانکاران می‌دهد نه اینکه میزان این پول را بر اساس میزان خرابی پرداخت کند، به این ترتیب پیمانکاران به دلیل سود اقتصادی خودشان مجبورند در اجرای خدمات از بهترین‌ها چه در بخش نرم افزار و چه در بخش سخت افزار استفاده کنند.